

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه پنجاه و نهم ۹۹/۱۱/۱۹

موضوع: اجتهاد و تقلید - رهبری و حاکمیت ائمه اطهار علیهم السلام و رفاه مردم

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین
الحمد لله والصلاة على محمد رسول الله وعلى آله آل الله لاسیما على مولانا بقية الله واللعن
الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

پرسش:

لطفا درباره لقب ام المؤمنین توضیح دهید؟

پاسخ:

به مجرد اینکه همسر رسول خدا می شدند، ام المؤمنین هم لقب می گرفتند. ولی صرف ام المؤمنین بودن
فضیلت آنچنانی برای آنها نیست. درباره ام المؤمنین فقط بحث تحریم ازدواج با آنها است. یعنی ازدواج
با آنها خلاف است. دیگر بیش از این دلالت بر فضیلت نمی کند.

مذمتی (تهدیدی) که در رابطه همسران پیامبر در قرآن آمده شاید کمتر در رابطه با دیگر صحابه آمده باشد،
مثلا شما ببینید:

(يا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ يَضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا)

ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود، عذاب او دوچندان خواهد
بود؛ و این برای خدا آسان است.

سوره احزاب (۳۳): آیه ۳۰

و البته از آن طرف هم:

(وَمَنْ يَفْنُتْ مِنْكُمْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا)

و هر کس از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دو چندان خواهیم ساخت، و روزی پرارزشی برای او آماده کرده‌ایم.

سوره احزاب (۳۳): آیه ۳۱

یا در رابطه با «عایشه و حفصه» دارد:

(إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ)

اگر شما (همسران پیامبر) از کار خود توبه کنید (به نفع شماست، زیرا) دل‌هایتان از حق منحرف گشته؛ و اگر بر ضد او دست به دست هم دهید، (کاری از پیش نخواهید برد) زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح، و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند.

سوره تحریم (۶۶): آیه ۴

«(صَغَتْ قُلُوبُكُمَا)؛ أَي زَاغَتْ وَمَالَتْ عَنِ الْحَقِّ ، (وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ)؛ (وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ) أَي تَتَظَاهَرَا وَتَتَعَاوَنَا عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْمَعْصِيَةِ وَالْإِيذَاءِ » /

القرطبي، محمد بن أحمد (متوفای ۶۷۱هـ)، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۸، ص ۱۸۹، ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ق.

اینها همه در رابطه با امهات المؤمنین است. «ابن عباس» می‌گوید مدت‌ها بود که می‌خواستیم از عمر سوال کنم لکن از او می‌ترسیدم، تا یک سال جرأت نکردم سوال کنم، بالاخره یک روز در بیابان داشتیم می‌رفتیم، او برای قضای حاجت رفت و به من گفت برای من آب بیاور تا ...

وقتی برگشت گفتم:

«يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْمَرْأَتَانِ اللَّتَانِ تَظَاهَرَتَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَمَا أَتَمَمْتُ كَلَامِي
حتى قال عَائِشَةُ وَحَفْصَةُ»

حرف من تمام نشده بود که گفت مراد از این امرأتان در آیه شریفه: (إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ
قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ) «عایشه و حفصه» هستند.

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:
٢٥٦، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى
ديب البغا، ج ٤، ص ١٨٦٨، ح ٤٦٣٠

در آیه شریفه:

(ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ
فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ)

سوره تحریم (٦٦): آیه ١٠

«کشاف» می گوید اینها تمثیل است به:

« وفي طيّ هذين التمثيلين تعريض بأمرى المؤمنين المذكورتين في أول السورة وما فرط منهما من
التظاهر على رسول الله صلى الله عليه وسلم وإشارة إلى أن من حقهما أن تكونا في الإخلاص
والكمال فيه كمثل هاتين المؤمنتين، وأن لا تتكلا على أنهما زوجا رسول الله، فإن ذلك الفضل لا
ينفعهما إلا مع كونهما مخلصتين »

الكشاف عن حقائق التنزيل وعيون الأقاويل في وجوه التأويل؛ اسم المؤلف: أبو القاسم محمود بن
عمر الزمخشري الخوارزمي الوفاة: ٥٣٨، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: عبد
الرزاق المهدي، ج ٤، ص ٥٧٥

اینها نشان می‌دهد که ام المؤمنین بودن فضیلت خیلی بالایی نیست. امهات المؤمنین تنها فضیلتش این است که با اینها نمی‌شود ازدواج کرد، دیگر فراتر از این دلالت ندارد؛ حتی خود اهل سنت به همین اعتراف دارند:

«ابن ادريس شافعی» در کتاب «الأم» جلد ۵ می‌گوید:

«(النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ) وَقَالَ (وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا) فَحَرَّمَ نِكَاحَ نِسَائِهِ مِنْ بَعْدِهِ عَلَى الْعَالَمِينَ»

الأم؛ اسم المؤلف: محمد بن إدريس الشافعي أبو عبد الله الوفاة: ۲۰۴، دار النشر: دار المعرفة - بيروت - ۱۳۹۳، الطبعة: الثانية، ج ۵، ص ۱۴۱

«وأمومة أزواجه عليه الصلاة والسلام ولا يثبت إلا تحريم النكاح»

فقط حرمت نكاح ثابت است

غاية السؤل في خصائص الرسول صلى الله عليه وسلم؛ اسم المؤلف: أبو حفص عمر بن علي الأنصاري الشهير بابن الملقن الوفاة: ۸۰۴، دار النشر: دار البشائر الإسلامية - بيروت - ۱۴۱۴هـ - ۱۹۹۳م، تحقيق: عبد الله بحر الدين عبد الله، ج ۱، ص ۲۵۰

«(وأزواجه أمهاتهم) في حرمة نكاحهن عليهم»

تفسير الجلالين؛ اسم المؤلف: محمد بن أحمد + عبدالرحمن بن أبي بكر المحلي + السيوطي الوفاة: ۹۱۱، دار النشر: دار الحديث - القاهرة، الطبعة: الأولى، ج ۱، ص ۵۵۰

البته ما در روایات داریم که رسول اکرم اجازه طلاق همسرانش را به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) داده بود؛ یعنی اگر حضرت امیر طلاق می‌دادند، دیگر حتی همین فضیلت ام المؤمنین بودن هم از اینها سلب می‌شد. در صورت طلاق دیگر آن احترامشان هم از بین می‌رفت.

پرسش:

بعد از رحلت نبی اکرم، چطور صیغه طلاق جاری می‌شود؟

پاسخ:

بعد از رحلتشان چطور حرمت نکاح امهات المومنین ثابت شده است؟ وقتی حرمت نکاح ثابت شد، طلاق هم ثابت می‌شود؛ یعنی بعد از پیغمبر هم اینها همسر پیغمبر محسوب می‌شدند.

پرسش:

قضیه اختیار طلاق بدست امیرالمومنین در کجا آمده؟

پاسخ:

در «اثبات الوصیة مسعودی» است :

« و روي ان الحسين عليه السّلام عند ما فعلت عائشة وجه إليها بطلاقها، و كان رسول الله صلّى الله عليه و آله جعل طلاق أزواجه بعده الى أمير المؤمنين عليه السّلام و جعله أمير المؤمنين بعده الى الحسن و جعله الحسن الى الحسين عليهما السّلام.

و قال النبيّ صلوات الله عليه: ان في نسائي من لاتراني يوم القيامة وتلك من يطلقها الأوصياء بعدي

اثبات الوصیة- نویسنده: مسعودی، علی بن حسین(۳۴۶ ق)- ناشر: انصاریان- قم-ص ۱۶۳

البته مشخص نیست که «مسعودی» شیعه است و یا سنی!

آغاز بحث...

جلسه گذشته مقایسه‌ای کردیم بین دینی که از اهل‌بیت آمده و دینی که از غیر اهل‌بیت.

خدایی که از طریق اهل‌بیت معرفی می‌شود و خدایی که از طریق «ابوهریره» و دیگران معرفی می‌شود.

پیغمبری که از طریق اهل‌بیت معرفی می‌شود و پیغمبری که از طریق غیر اهل‌بیت معرفی می‌شود و

همین‌طور «معاد» و ...

لذا حضرت می‌فرماید: هرکس حق امامت را بشناسد حلاوت و شیرینی ایمانش را می‌چشد و فضیلت و شادی اسلامش را درک می‌کند. بعد حضرت می‌فرماید:

«لَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نَصَبَ الْإِمَامَ عِلْمًا لِيَخْلُقَهُ وَجَعَلَهُ حُجَّةً عَلَى أَهْلِ مَوَادِّهِ وَعَالِمِهِ»

خدای عالم امام را به عنوان عِلْم و نشانه برای خلقش قرار داده است.

نشانه و عِلْم قرار داد، بلا تشبیه، همان‌طور که یک تابلوی راهنمایی رانندگی نصب می‌شود که جاده در دست تعمیر است یا با فلان سرعت بروید یا پیچ خطرناک نوشته و اگر توجه نکنید و با سرعت بروید از راه بیرون می‌روید امام هم به همین این شکل.

الكافي (ط - الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری

علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۲۰۳، بَابُ نَادِرٍ فِي فَضْلِ الْإِمَامِ - ح ۲

در اینجا آمده «مواده و عالمه» این دو کلمه به کار رفته که بگوید حضرات تنها حجت برای انسان‌ها نیستند بلکه حجت برای تمام خلائق و عوالم هستند با توجه به اینکه:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا)

سوره اسراء (۱۷): آیه ۴۴

اگر این شد، ائمه (علیهم السلام) همان‌طور که برای ما حجت هستند، برای اجنه و حیوانات هم حجت هستند، حتی می‌توان ادعا کرد برای نباتات و جمادات هم حجت هستند، چون آنها هم وقتی تسبیح خدا بخواهند بگویند، باید از روی یک رهنمودی باشد.

«وَأَلْبَسَهُ اللَّهُ تَاجَ الْوَقَارِ وَ عَشَاهُ مِنْ نُورِ الْجَبَّارِ يُمَدُّ بِسَبَبِ إِلَى السَّمَاءِ لَا يَنْقَطِعُ عَنْهُ مَوَادُّهُ وَ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِجَهَةِ أَسْبَابِهِ وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ أَعْمَالَ الْعِبَادِ إِلَّا بِمَعْرِفَتِهِ فَهُوَ عَالِمٌ بِمَا يَرِدُ عَلَيْهِ مِنْ مُلْتَبَسَاتِ الدُّجَى وَ مُعَمَّيَاتِ السُّنَنِ وَ مُشَبَّهَاتِ الْفِتَنِ فَلَمْ يَزَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَخْتَارُهُمْ لِيَخْلُقَهُ مِنْ

وُلِدِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) مِنْ عَقِبِ كُلِّ إِمَامٍ يَضْطَفِيهِمْ لِذَلِكَ وَ يَجْتَبِيهِمْ وَ يَرْضَى بِهِمْ لِخَلْقِهِ وَ
يَرْضِيهِمْ كُلَّمَا مَضَى مِنْهُمْ إِمَامٌ»

تا اینجا که هر امامی که از دنیا برود:

«نَصَبَ لِخَلْقِهِ مِنْ عَقِبِهِ إِمَاماً عِلْماً بَيِّنًا وَ هَادِيًا نَيْرًا وَ إِمَاماً قَيِّمًا وَ حُجَّةً عَالِمًا أَثْمَةً مِنَ اللَّهِ يَهْدُونَ
بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَغْدُلُونَ حُجَجَ اللَّهِ وَ دُعَاتُهُ وَ رُعَاتُهُ عَلَى خَلْقِهِ يَدِينُ بِهِدِيهِمُ الْعِبَادُ»

...اینها حجت‌ها و دعوتگران خدا هستند.

الكافي (ط - الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق/ مصحح: غفاری
علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۲۰۳، بَابُ نَادِرٍ جَامِعٍ فِي فَضْلِ الْإِمَامِ
وَ صِفَاتِهِ، ح ۲

در روایت داریم «عایشه» به «عبدالله عمر» می‌گوید به پدرت بگو کسی را برای مردم انتخاب کند و مردم را
مثل گله بی‌چوپان نگذارد.

کلمه «رُعَاتُهُ عَلَى خَلْقِهِ» در کلمات دیگران هم آمده، تعبیر زیبایی است. اگر عزیزان این را هم از ما یادگیری
داشته باشند خوب است. آیا «حفصه» و «عایشه» دلسوزتر از پیامبر هستند؟ «مسلم» از «ابن عمر» نقل
می‌کند که وارد بر «حفصه» شدم و گفت شنیدم که پدرت کسی را خلیفه معین نکرده برو به او بگو:

«رَعَمُوا أَنَّكَ غَيْرُ مُسْتَحْلِفٍ وَإِنَّهُ لَوْ كَانَ لَكَ رَاعِي إِبِلٍ أَوْ رَاعِي غَنَمٍ ثُمَّ جَاءَكَ وَتَرَكَهَا رَأَيْتَ أَنْ قَدْ ضَيَّعَ»

او پیش پدرش آمد گفت مردم این‌طور تصور می‌کنند که خلیفه‌ای معین نکردی! اگر تو چوپان شتر
و گوسفند داشته باشی، و او گوسفندها و شترهای تو را رها کند، خواهی گفت که (مال و گله) را

تضییع کرد و از بین برد

«فَرَعَايَةُ النَّاسِ أَشَدُّ»

صحیح مسلم؛ اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری الوفاة: ۲۶۱، دار
النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۵۵،
ح ۱۸۲۳ (براساس نرم افزار الجامع الكبير)

نسبت به نبی مکرم می‌گویند پیغمبر کسی را معین نکرد ولی خودشان می‌گویند باید کسی معین شود و الا
تضییع و تباهی پیش می‌آید. «عایشه» هم می‌گوید:

«یا بنی ابلغ عمر سلامی وقل له لا تدع أمة محمد بلا راع»

به «عبدالله عمر» می‌گوید به پدرت سلام برسان! امت پیغمبر را بدون چوپان نگذار.

«استخلف عليهم ولا تدعهم بعدك هملا فإني أخشى عليهم الفتنة فأتى عبد الله فأعلمه»

اینها را رها نکن و سرگردان نگذار.

الإمامة والسياسة؛ اسم المؤلف: أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة الدينوري الوفاة: ۲۷۶هـ، دار
النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۷م، تحقیق: خليل المنصور، ج ۱، ص ۲۵

یا «معاویه» می‌خواهد برای پسرش بیعت بگیرد می‌گوید:

«إني أُرهب أن أدع أمة محمد بعدي كالضأن لا راعي لها»

مثل گوسفندانی که چوپان ندارند.

تاریخ الطبري؛ اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري الوفاة: ۳۱۰، دار النشر: دار الكتب
العلمية - بيروت، ج ۳، ص ۲۴۷

خیلی مدارک زیبایی است آن هم از کتاب «صحیح مسلم» و ... که نشان می‌دهد که «عایشه» و «حفصه»
از خود رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) برای امت دلسوزتر بودند.

پیغمبر (نستجیر بالله) فکرش نرسید کسی را به عنوان جانشین معرفی کند، خلاق را بدون خلیفه رها کرد مثل گله بدون چوپان ولی «عایشه» و «حفصه» دلسوزی‌شان برای امت از پیغمبر بالاتر است. این هم اوج مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) است!!

ائمة حجج الهی و دعوت‌گران به خدا هستند و راهنمایان الهی برای خلق

«و زَعَانُةٌ عَلَىٰ خَلْقِهِ يَدِينُ يَهْدِيهِمُ الْعِبَادُ وَ تَسْتَهْلُ بِنُورِهِمُ الْبِلَادُ وَ يَنْمُو بِبَرَكَتِهِمُ التَّلَادُ»

حجتهای خدا و داعیان بسوی خدایند، از طرف خدا مخلوق را سرپرستی کنند. بندگان خدا برهبری آنها دینداری کنند و شهرها بنورشان آبادان شود و ثروتهای کهنه از برکتشان فزونی یابد

الكافي (ط - الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق/ مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج ۱، ص ۲۰۳، بَابُ نَادِرٍ جَامِعٍ فِي فَضْلِ الْإِمَامِ وَ صِفَاتِهِ، ح ۲

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد! و بدانید خداوند میان انسان و قلب او حایل می‌شود، و همه شما (در قیامت) نزد او گردآوری می‌شوید!

سوره انفال (۸): آیه ۲۴

«جَعَلَهُمُ اللَّهُ حَيَاةً لِلْأَنَامِ وَ مَصَابِيحَ لِلظُّلَمِ وَ مَفَاتِيحَ لِلْكَلامِ وَ دَعَائِمَ لِلْإِسْلَامِ جَرَتْ بِذَلِكَ فِيهِمْ مَقَادِيرُ اللَّهِ عَلَىٰ مَخْتُومِهَا»

خدا ایشان را حیات مردم و چراغهای تاریکی و کلیدهای سخن و پایه‌های اسلام قرار داده، مقدرات حتمی خدا بر این جاری شده

الكافي (ط - الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری
علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج ۱، ص ۲۰۳، بَابُ نَادِرٍ جَامِعٍ فِي فَضْلِ الْإِمَامِ
وَ صِفَاتِهِ، ح ۲

تمامی اینها در صورتی تحقق پیدا می‌کند که (به جایگاه ائمه این طور توجه شود):

« جَعَلَهُمُ اللَّهُ حَيَاةً لِلْأَنَامِ وَ مَصَابِيحَ لِلظُّلَمِ وَ مَفَاتِيحَ لِلْكَلامِ وَ دَعَائِمَ لِلْإِسْلَامِ »

حضرات در رأس همه امور باشند نه فقط برای مردم احکام بگویند بلکه کل امور مردم، سیاسی و اخلاقی،
فقهی همه باذن الله در دست آنها باشد. نشان می‌دهد که امامت‌شان، تامه است؛ یعنی هم در سیاست خدا
آنها را امام قرار داده هم در مسائل دیگر اما:

« تَسْتَهْلُ بِنُورِهِمُ الْبِلَادُ وَ يَنْمُو بِبِرْكَتِهِمُ التَّلَادُ جَعَلَهُمُ اللَّهُ حَيَاةً لِلْأَنَامِ يَدِينُ بِهِدْيِهِمُ الْعِبَادُ »

اینجا می‌فرماید مردم اگر ائمه را قبول کنند (آن‌طور که حق آن است) نه تنها دین‌شان بلکه دنیای شان هم
آباد می‌شود؛ چون اگر ائمه در رأس امور باشند بیت المال و آنچه که اموال عمومی است را عادلانه میان
مردم توزیع می‌کند. (ستم و اجحاف و سوء استفاده‌ای رخ نمی‌دهد)

ما قبلاً یک بحثی داشتیم که اگر علی خلیفه می‌شد چه می‌شد؟ یکی از چیزهایی که در آنجا است حضرات
ضامن رفاه مردم هم هستند که امیر المؤمنین می‌گوید قسم به جان خودم اگر مردم آن روز که پیغمبر از
دنیا رفت تسلیم ما می‌شدند، از ما تبعیت می‌کردند و امورشان را به ما واگذار می‌کردند یعنی امر خلافت
دست ما بود:

« قَالَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ حِينَ بُوِيعَ أَبُو بَكْرٍ: «كِرْدَاذ وَ نَاكِرْدَاذ» ، أَيَّ عَمَلْتُمْ وَ مَا عَمِلْتُمْ، لَوْ بَايَعُوا عَلِيًّا
لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ »

برای آنها از بالای سرش و زیر پای‌شان نعمت‌ها سرازیر می‌شد.

أنساب الأشراف؛ المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (المتوفى : ۲۷۹هـ)؛ دارالنشر: ج ۱، ص ۲۵۵

«وَلَوْ أَنَّ الْأُمَّةَ بَعْدَ قَبْضِ رَسُولِ اللَّهِ ص اتَّبَعُونِي وَ أَطَاعُونِي لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ»

بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد

تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربي، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲۶، ص ۶۵

«لَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه واله وسلم) سَلَّمُوا لَنَا وَ اتَّبَعُونَا وَ قَلَّدُونَا أُمُورَهُمْ
أَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ»

کتاب سلیم بن قیس، نویسنده: هلالی، سلیم بن قیس، محقق / مصحح: انصاری زنجانی خوئینی،

محمد؛ ناشر: الهادی؛ ج ۲، ص ۷۷۱ و ۷۷۲

در کتاب «بلاغات النساء» «ابن طیفور»، متوفای ۲۸۰، است می‌گوید:

«وبالله لو تكافئوا على زمام نبذه رسول الله صلى الله عليه وسلم لى الله عليه لسار بهم سيراً سجحاً لا
يكلم خشاشه ولا يتعتع راكبه ولأوردهم منهلاً رويأ ففضاضاً تطفح ضفتاه ولأصدرهم بطاناً قد تحرى
بهم الري غير متجل منهم بطائل بعمله الباهر وردعه سورة الساعب ولفتح عليهم بركات من
السماء»

اگر زمام خلافت را که پیغمبر در اختیار علی قرار داده بود از کف نمی‌دادند و نگه می‌داشتند.

زندگی با رفاه و سهلی داشتند بركات آسمان و زمین بر روی‌شان باریدن می‌گرفت.

بلاغات النساء؛ اسم المؤلف: أبو الفضل أحمد بن أبي طاهر ابن طيفور (المتوفى: ۲۸۰هـ) الوفاة:

۲۸۰، دار النشر: ج ۱، ص ۹

«ابن ابی شیبہ» استاد «بخاری» است ، می‌گوید:

« لَمَّا بُوِيعَ أَبُو بَكْرٍ قَالَ: قَالَ سَلْمَانُ: «أَخْطَأْتُمْ وَأَصَبْتُكُمْ ، أَمَا لَوْ جَعَلْتُمُوهَا فِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ لَأَكَلْتُمُوهَا رَغَدًا»

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار؛ اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي
الوفاة: ۲۳۵، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ۱۴۰۹، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت،
ج ۷، ص ۴۴۳

در اینجا امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید حضرات نه تنها دین مردم را آباد می‌کردند، مردم را با دین آشنا می‌کردند، و در عبادت خدا رهنمود می‌کردند؛ بلکه شهرها و کشورها را مایه‌ی آبادانی بودند. این نکته-ی خیلی ظریفی است که عزیزان ما ان شاء الله در نظرشان باشد که یکی از فوائد وجود امام، آبادانی بلاد است.

ان شاء الله حضرت ولی‌عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) تشریف می‌آورند و یکی از برکات وجودی حضرت این است که این ثروت را عادلانه میان مردم تقسیم می‌کنند، و گنج‌های زمین را بیرون می‌کشند به طوری که مردم برای صدقه دادن فقیری پیدا نمی‌کنند، افرادی از این شهر به آن شهر از این روستا به آن روستا می‌روند تا یک فقیری بتوانند پیدا کنند و صدقه خودشان را بدهند اما پیدا نمی‌کنند.

ظلمی که بعد از رسول الله کردند، تنها در حق امیرالمؤمنین و اهل‌بیت علیهم السلام نبود، در حق مردم هم ظلمی که کردند، آنها را از هدایت ائمه و از نعمت وجود ائمه و اینکه مردم در رفاه زندگی کنند، محروم کردند، این شاید یکی از بزرگ‌ترین جنایات‌ها و ظلم‌هایی بود که بعد از رسول اکرم مرتکب شدند.

امروز در هر کجای دنیا گرفتار و فقر و اختلاف طبقاتی و ... هستند. همه اینها وابستگی دارد به این کاری که اینها بعد از رحلت رسول اکرم انجام دادند.

بعضی‌ها که مقداری حواس‌شان هست و تاریخ را به خوبی مطالعه کرده‌اند، می‌دانند، قضیه از چه قرار است؛ ولی متأسفانه ماها روی این بخش زیاد دقت نمی‌کنیم. بحث رفاه دنیوی در حکومت ائمه (علیهم السلام) را که یکی از بخش‌های حساسِ فوائد خلافت امام است، خوب باز نمی‌کنیم.

در آن ۵ سال، امیرالمؤمنین در رأس قدرت قرار گرفتند، اما «جنگ جمل» مدت‌ها طول کشید، «جنگ صفین» ۱۸ ماه طول کشید، بعد هم «جنگ نهروان»، بعد از «جنگ نهروان» حضرت چندین هزار سپاهی آماده کرده بود، فرمانده اش را هم معین کرده بود، اینها خارج «کوفه» بودند، خبر شهادت حضرت امیر به گوش اینها که رسید، حیران و سرگردان به «کوفه» برگشتند.

در هر صورت ...

«فَالِإِمَامُ هُوَ الْمُتَّجِبُ الْمُتَّصِي وَالْهَادِي الْمُتَّجِي وَالْقَائِمُ الْمُتَّجِي»

پس امام همان برگزیده پسندیده و رهبر محرم اسرار و امید بخشی است که بفرمان خدا قیام کرده است

هر کسی را خدای عالم به این مقام منصوب نمی‌کند. بعد می فرماید:

«اضْطَفَاهُ اللَّهُ بِذَلِكَ وَ اضْطَنَعَهُ عَلَى عَيْنِهِ فِي الذَّرِّ حِينَ ذَرَأَهُ وَ فِي الْبَرِّيَّةِ حِينَ بَرَأَهُ ظِلًّا قَبْلَ خَلْقِ نَسَمَةٍ عَنِ يَمِينِ عَرْشِهِ مَحْبُورًا بِالْحِكْمَةِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَهُ اخْتَارَهُ بِعِلْمِهِ وَ انْتَجَبَهُ لِطَهْرِهِ بِقِيَّتِهِ مِنْ آدَمَ (عليه السلام) وَ خَيْرَةً مِنْ ذُرِّيَّةِ نُوحٍ وَ مُصْطَفَى مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ سُلَالَةَ مِنْ إِسْمَاعِيلَ وَ صَفْوَةَ مِنْ عِتْرَةِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه واله وسلم) لَمْ يَزَلْ مَزْعِيًّا بِعَيْنِ اللَّهِ يَحْفَظُهُ وَ يَكْلُؤُهُ بِسِتْرِهِ مَطْرُودًا عَنْهُ حَبَائِلُ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ مَدْفُوعًا عَنْهُ وَقُوبُ الْعَوَاسِقِ وَ نُفُوثُ كُلِّ فَاسِقٍ مَضْرُوفًا عَنْهُ قَوَارِفُ الشُّوءِ مُبْتَرَأً مِنَ الْعَاهَاتِ مَخْجُوبًا عَنِ الْأَفَاتِ مَعْضُومًا مِنَ الزَّلَّاتِ مَصُونًا عَنِ الْفَوَاحِشِ كُلِّهَا»

خدا او را برای این برگزیده و در عالم ذر که او را آفریده، زیر نظر خود پروریده و در میان مردم، او را همچنان ساخته است، در عالم ذر پیش از آنکه جاننداری پدید آید، امام را مانند سایه‌ای در سمت راست عرش آفریده و با علم غیب خود، باو حکمت بخشیده و او را برگزیده و برای پاکیش انتخابش کرده است... همیشه زیر نظر خدا سرپرستی شده و با پرده خود حفظ و نگهبانیش نموده و دامهای شیطان و لشکرش را از او کنار زده و پیش آمدهای شب هنگام و افسون جادوگران را از او دور ساخته است، روی آوردن بدی را از او برگردانیده از بلاها برکنار است، از آفتها پنهانست، از لغزشها نگهداری شده و از تمام زشتکاریها مصونست.

الكافي (ط - الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری
علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج ۱، ص ۲۰۳، بَابُ نَادِرٍ جَامِعٍ فِي فَضْلِ الْإِمَامِ
وَ صِفَاتِهِ، ح ۲

این طور نیست که فقط در دنیا امام باشند از روز الست امام بودند و منتجب .

حتی اشتباه و خطا هم نمی‌کنند نه تنها گناه نمی‌کنند بلکه هیچ لغزشی در زندگی‌شان پیدا نمی‌کنید. ببینید
«ذهبی» نسبت به ائمه (علیهم السلام) تلاش دارد یک لغزش و ... پیدا کند و آن را عَلَمٌ کند؛ ولی چه «بنی
امیه» و چه «بنی العباس» کوچک‌ترین نقطه ضعفی از ائمه (علیهم السلام) نتوانستند پیدا کنند.

این روایت که آوردیم از نظر سندی کاملاً صحیح است؛ چون مطالب مهمی داشت من مقید بودم که
سندش را بررسی کنیم. اولاً مرحوم «علامه مجلسی» در «مرآة العقول» جلد ۲، صفحه ۴۰۰ وقتی به این
روایت می‌رسد می‌گوید:

«الحديث الثاني: صحيح»

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، حقیق /
مصحح: رسولی محلاتی، هاشم، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج ۲، ص ۴۰۰

«محمد ابن یحیی عطار قمی» است «نجاشی» دارد:

«ثقة، عين، كثير الحديث»

رجال النجاشي؛ نویسنده: نجاشی، احمد بن علی، محقق / مصحح: ندارد، ناشر: مؤسسة النشر
الاسلامی التابعه لجامعه المدرسين، ص ۳۵۳

«احمد بن محمد بن عیسی اشعری» رئیس «قمیین» بوده و ثقه است، «شیخ قمیین، فقیه قمیین، غیر
مدافع» نیازی به دفاع نیست؛ یعنی به قدری مقبولیت دارد لازم نیست کسی از وثاقتش دفاع کند.

«حسن بن محبوب» از اصحاب اجماع است، «جليل القدر» حتى یکی از ارکان اربعه عصرش بوده «اسحاق

ابن غالب» است:

«عربي صليب، ثقة»

رجال النجاشي؛ نویسنده: نجاشي، احمد بن علي، محقق/ مصحح: ندارد، ناشر: مؤسسة النشر

الاسلامي التابعه لجامعه المدرسين، ص ۷۲

پس از نظر سند روایت صحیح است. البته واژه «عربی صلیب» در بعضی از منابع آمده که غالباً در برابر «عربی مولا» است. بعضی اصالتاً «عجم» بودند، مثلاً به جزیره العرب رفتند و نسل بعدشان «عرب» شد اینها را «عربی عجم» یا «عربی مولا» می‌گویند. «عربی صلیب» یکی از معانی این است که اصالتاً عرب بوده.

مضمون روایت هم که مضمون خیلی عالی است. من فقط بخش‌هایی از این روایت را عرض کردم، روایت خیلی مفصل است. این در حقیقت یکی از روایاتی است که نشان می‌دهد ائمه (علیهم السلام) با تفویض نبی مکرم، مسئول امور سیاسی و اجتماعی مردم بودند، مسئول آبادانی دنیای مردم بودند؛ در کنار مسئولیت آبادانی دین مردم. عزیزان ما موفق و سالم باشند ان شاءالله

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»